



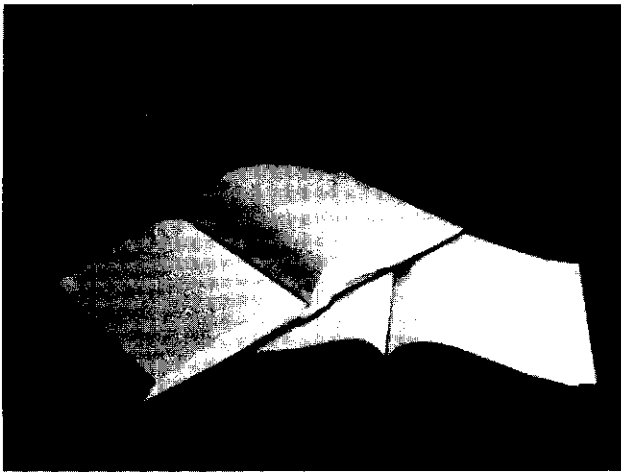
آینده کتابخوانی

تألیف: هنگامه پورمحمد
کتابدار کتابخانه شهید هاشمی نژاد ساوه

آیا کتاب که قرن‌ها از امتیاز ضبط انحصاری گفتار برخوردار است بیش از پیش در خطر است؟ آیا توسط رسانه‌ای جدید کنار گذاشته خواهد شد؟ و یا توان حفظ جایگاه خود را خواهد داشت، و یا حداقل به بهای بازسازی جدی‌تری برتری و اولویت خود را حفظ خواهد کرد. این‌گونه پرسش‌ها گویای یک مسئله اساسی است که نیروهای حرفه‌ای این رشته اعم از نویسندگان، ناشر، توزیع‌کننده و کتابدار باید پاسخی بیابند. زیرا ساختار این بخش مهم زندگی فرهنگی در گرو آن است. به طور کلی در سال‌های آینده، کتاب تنها کالای فعالیت‌های انتشاراتی و کتابخوانی و کتابداری نخواهد بود. دست‌اندرکاران این صنعت فرهنگی ناچار خواهند شد چندعامل پیشرفت اشاعه فرهنگ و اندیشه را به کار گیرند. صفحه، نوار ضبط، میکروفیلم، فیلم سینمایی، رایانه و غیره از محصولات صنعت نشر خواهند بود که در کنار کتاب، در قفسه‌های کتابخانه‌های عمومی یا خصوصی چیده خواهند شد، از طرف دیگر امکاناتی که انتقال تصویری به ویژه در قلمرو اطلاع‌رسانی در اختیار می‌گذارند پایه شیوه‌های جدید تولید، توزیع و ذخیره فعالیت‌های فکری خواهند بود. منابع و روزنه‌های جدید، زنجیره‌های سنتی توزیع را از بین نخواهند برد بلکه مکمل آنها خواهند بود. کشورهایی که در سیاست انتشار آنها، امکانات و اهداف مربوط به مسائل کتاب، نویسنده، کتابخوانی، تکثیر صوتی

و تصویری به صورت یکدست و همه‌جانبه مطرح شده باشد بسیار نادرند. برای نمونه در فرانسه موضوع تولید، توزیع کتاب، توزیع سمعی و بصری، جایگاه حقوقی کتابدار با هفت حوزه مختلف وزارتی ارتباط پیدا می‌کند. ۱- سیاست کتابخوانی ۲- سیاست کتاب ۳- سیاست کتابداری، موضوع‌های مطرح می‌باشند. سیاست کتاب یک سیاست انتشار و سیاست کتابخوانی، یک سیاست تقاضا است و سیاست کتابداری یک سیاست عرضه است. بنابراین هر سه سیاست اقدامی است که هدف آن افزایش تعداد مخاطبان کتاب است. هنر کارگزاران در این است که این سه مسئله متضاد را با هم آشتی دهند، یکی کیفیت آنچه در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد و دیگر تعداد مخاطبان اثر. سیاست کتاب مستلزم افزایش کتابخوان‌ها در عین بالا بردن کیفیت نوشتار، و دیگر آرامش و آسایش کتابدارها در عرصه ارائه خدمت. در کشوری مانند فرانسه که سواد آموخته و با فرهنگ به حساب می‌آید، ۱۳٪ مردم کتاب‌های ارزشمند را می‌خوانند، ۴۸٪ بدون توجه به محتوای کتاب مطالعه می‌کنند و ۵۲٪ نیز کتاب نمی‌خوانند. هدف یک سیاست کتابخوانی باید این باشد که کتابخوان‌های گروه دوم را با دسته اول پیوند دهد و گروه سوم را وارد دسته دوم کند و کتابدار را با نیروی تحرک‌پذیر در خدمت دو گروه قرار دهد. لذا گروه کتابدار در اشاعه فرهنگ از دو گروه اول مسئولیت بیشتری دارا خواهند

بود. سیاست کتابخوانی نباید امور مربوط به فروش و امانت دادن کتاب را از هم جدا کرد، زیرا از یک طرف کتابخانه و از طرف دیگر کتابفروشی و سپس تجارت غیر تخصصی کتاب را هم نمی‌توان از هم جدا کرد، باید هر سه مقوله را با هم بررسی کرد و درباره آنها با توجه به مسئله (مکان‌های اشاعه فرهنگ) اندیشه کرد و جایگاه هر یک را با هم مقایسه کرد و ساعات خدمت و ارائه خدمت مفید، و توجه به دریافت حق الزحمه رابطه یکسان دارند. انسان به لحاظ حقایق مربوط به روان‌شناسی و نیز نیازی که به ارتقاء سطح فرهنگ و آگاه خود دارد احتیاج به برقراری ارتباط بین خود، کار خود و دنیایی که در آن زندگی می‌کند دارد. لذا ارتباط بین مکان‌های اشاعه فرهنگ، کانون پرورشی، کتابخانه‌های دانشگاه‌ها، وزارت ارشاد و سازمان‌های دیگر می‌باید از یک سیاست کلی که یونسکو در این مورد ارائه داده است، بهره‌مند گردند. و یا لاقلاً در درون کشور و یا در سطح یک استان از هماهنگی خاص برخوردار باشند. اختلاف در ساعات کار، تعطیلات، هزینه‌ها، پاداش‌ها، خدمات‌رسانی ناهماهنگی است که قابل تحلیل و برطرف‌شدنی است (مشکلات) یک شورای ملی کتابداری و کتابخوانی با کمک یک واحد پژوهشی قادر است گرایش‌های مهم فرهنگی کشوری و استانی را مشخص، اقدامات مربوط به مدرنیزه کردن را پیشنهاد، مقررات حقوقی و



اداری و دریافت پاداش‌های متساوی را هماهنگ و آمار لازم را متمرکز، و اقدامات را ارزیابی کند. یک شورای ملی کتابداری باید توجه داشته باشند که دسترسی مردم به وسایل جدید سمعی و بصری حداقل تا ده سال آینده از توان مالی بیشتر مردم خارج است، کتابخانه اولین نهادی است که باید امکانات ضبط برنامه‌های ماهواره‌ای را در اختیار داشته باشد. کتابخانه باید اولین مکان امانت دادن کاست‌های ویدئو - فیلم‌های آدوآم - فیلم و کاست‌های تصویری در مورد تمامی موضوعات آموزشی یا سرگرم‌کننده باشد. همه این امور باید به شکلی سازماندهی بشود که هر مراجعه‌کننده بدون مراجعه به کتابدار و کارمند قادر به انتخاب و امانت گرفتن باشد و کتابدار هم از این سمت پادویی که می‌باید در یک آن و لحظه در حال تردد و حمل کتاب باشد در مقابل دیدگان کتابخوان (که حتی تجسم آن در فضای فکری خود نامناسب است) نجات بخشد.

در کتابخانه آینده، کتاب در درجه دوم اهمیت خواهد داشت، گرچه کتاب هنوز دقت، وجهه و کیفیتی در اطلاع‌رسانی دارد که ابزار سمعی و بصری از آن برخوردار نیستند ولی به تدریج کتاب به ابزاری دلخواه و ترجیحی تبدیل می‌شود و مخاطبان در عمل با ماشین سمعی و بصری دسترسی بیشتری دارند.

